

اجتناب می‌کنند. به علاوه شهرداری می‌تواند با کنترلی که بر توزیع آب حاصل کرده است، در سازمان اجتماعی باغستان اختلال ایجاد کند. پیش از این، یکی از باغداران قزوینی اوایل تیرماه امسال به خبرگزاری مهر گفته بود: «در سال آبی اخیر و از بهمن ماه ۹۸ که آب در باغستان جریان پیدا کرد و هر یک از باغ‌ها به ترتیب از سهمیه آب خود بهره‌مند شدند، امکان بهره‌گیری از آب کافی هیچ‌کدام از بخش‌های باغستان وجود نداشت.»

### به نام باغستان، به کام ویلاداران

این باغدار برداشت بی‌رویه از بستر رودخانه‌های تأمین‌کننده آب باغستان را زمینه‌ساز مشکلات عدیده‌ای برای باغستان عنوان کرد: «به دلیل برداشت بی‌رویه از بستر رودخانه «زویار» در برخی مناطق، عرض آن به ۵۰ متر هم افزایش یافته و قبل از اینکه آب به باغ‌ها برسد، در مسیر رودخانه گم می‌شود و هدر می‌رود. از پنج رودخانه قدیمی مسیر باغستان فقط یکی، دو رودخانه هنوز زایش آبی دارند؛ اما متأسفانه برخی کشاورزان روستاهای بالادست آب را می‌گیرند و گاه تا ۵۰ روز به کسی اجازه برداشت نمی‌دهند و نمی‌گذارند که آب این رودخانه‌ها به پایین دست و باغ‌های سنتی برسد.»

در گزارش پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری آمده که توسعه شهری در همین یک دهه گذشته به سمتی رفته که قسمت شرقی باغستان نیز رو به زوال نهاده است و بیم آن می‌رود که در سال‌های نزدیک چپری از این بخش از باغستان نیز باقی نماند. «اینک، حفاظت از باغستان سنتی به یکی از موضوعات چالشی در شهر قزوین بدل شده است. مسئولان استان از یک سو داعیه حفاظت از باغستان دارند و در سخنرانی‌ها، نامه‌نگاری‌ها، کمیسیون‌ها و کارگروه‌های خود از ضرورت حفظ و احیای باغستان می‌گویند و از سوی دیگر با تغییر کاربری‌ها و تخریب‌های «جزئی»، سه چهارم هکتاری در باغستان در راستای «منافع شهر» و در «موارد ضروری» کنار می‌آیند. غافل از اینکه نابودی دست‌کم نزدیک به دوهزار هکتار از باغستان پیش از این، یک شبه اتفاق نیفتاده است.»

علی فرخزاد، معاون عمرانی استاندار قزوین هم پیش از این در گفت‌وگو با مهر موضوع مالکیت باغ‌ها را از مشکلات جدی حفظ باغستان شهر قزوین دانسته بود: «در حال حاضر مالکیت بعضی از باغ‌ها دست ورته افتاده و هر باغ چندین مالک تازه پیدا کرده که برخی این باغ‌ها را رها کرده‌اند و حتی برخی از این افراد نمی‌دانند که باغ‌هایشان کجاست که این وضع موجب می‌شود باغ خود را نگهداری نکنند و اگر آفتی به باغ بزند، دیگر کسی آن راحتی سم‌پاشی هم نکند.» او همچنین گفته بود شکی نیست که هر اتفاق مثبتی در باغستان قزوین بخواهد رخ دهد، باید صاحبان باغ آن را انجام دهند؛ چرا که امور نگهداری باغات مانند سم‌پاشی، بیل زدن و هرس کردن توسط دولت شدنی نیست و اصلاً بخش دولتی نمی‌تواند در این حوزه‌ها ورود کند. براساس گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۸۰۰ تا یک هزار هکتار از باغستان سنتی قزوین تخریب شده یا کاربری‌اش تغییر کرده است. شهردار قزوین نیز بر این نکته صحنه‌گذاشته بود که بین سال‌های ۴۷ تا ۸۵ حدود ۷۳۶ هکتار از باغستان سنتی قزوین از بین رفته است.

مطالعات بانک اطلاعات مهندسی مشاور - شهرسازی آرث نشان می‌دهد تخریب باغستان ارتباطی مستقیم و دو سویه با تضعیف نظام تعاونی آن دارد. در متن پژوهش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در این باره می‌خوانیم: «فروپاشی یا ضعف مدیریت باغ‌ها به تخریب آن منجر شده و از طرف دیگر، تخریب، لطامت و خساراتی که به اراضی باغستان وارد آمده از انگیزه و پشتکار باغبانان و باغداران کاسته است.»

### اقدامات دولتی ناکام مانده است

به گفته کارشناسان، باغستان سنتی ساختار اجتماعی پیچیده‌ای داشته که امروز هم این پیچیدگی به جا مانده است. در مطالعات مشاور آرث این ساختار شرح داده شده است: «باغستان سنتی قزوین از گذشته دور تحت مدیریت یکپارچه باغبانان و دخو (باغبانان ارشد) بوده است. اموری اعم از نگهداری باغ‌ها، آبیاری محصولات، برداشت و... در تمام سال به عهده باغبانان بوده است. از آنجا که نگهداری تک‌تک باغ‌ها برای صاحبان آنها بسیار مشکل و گاه غیرممکن بوده، از گذشته ایشان باغ‌ها را منطقه‌بندی کرده‌اند. سطح اراضی باغستان به محلات و بلوک‌های متعددی تقسیم‌بندی شده است. هر دخو متولی حفظ و نظارت بر امور است.»

طرح احیای باغستان که توسط مهندسی مشاور «آرث» و زیر نظر شهرداری قزوین تهیه شده پیشنهادی زیر را مطرح کرده است: «جاده گاز به مسیر دسترسی باغداران و دسترسی گردشگران تبدیل شود با عملکرد اصلی خدمت‌رسانی به باغات و کمربندی شهر در خارج از باغستان ایجاد شود تا ترافیک به بیرون باغستان منتقل شود.» از سوی دیگر باید برای باغستان در کنار جاده‌ها، مخصوصاً جاده گاز و جاده فارسیان فنس‌کشی با دیوارکشی سبک انجام شود. «در بخش‌های دیگر با کاشت گونه‌های گیاهی با فشردگی بالا حصار ایجاد شود.» تأمین آب نیز مسأله دیگری است. «آب پایدار اضافه بر منابع موجود به میزان سالانه ۱۵ میلیون متر مکعب برای باغستان تأمین شود. برای این منظور از سبب تصفیه شده شهر می‌توان استفاده کرد. باغات تخریب شده احیا و شیوه آبیاری به آبیاری قطره‌ای تبدیل شود. کانال‌ها لایروبی شود. برداشت شن و ماسه از رودخانه‌های تغذیه‌کننده باغستان متوقف و آب‌های سطحی سالم جمع‌آوری و به سمت باغستان هدایت شود.»

یافته‌های مطالعه درباره باغستان سنتی قزوین نشان می‌دهد روند کلان انحطاط باغستان را با برنامه‌ریزی در سطوح اجرایی نمی‌توان متوقف کرد و تاکنون برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات دیوان‌سالارانه بافتی - مهندسی توفیقی نداشته است.



خبرگزاری تسنیم

## گزارش پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری درباره تخریب باغستان قزوین منتشر شد

# زوال باغستان سنتی قزوین

**[شهروند]** روزگار درازی است که سبزی باغ‌های باغستان سنتی قزوین، این شهر را همچون خله‌ای ابریشمین در بر گرفته است. میراثی از تاریخ ایران که این روزها به محاصره شهرسازی و توسعه کارخانه‌ها و خیابان‌های شهر قزوین درآمده است؛ قصه ناتمام سلاخی مکان‌های طبیعی و تاریخی. «پاتریشیا کرون» جامعه‌شناس و مورخ، در کتاب خود «کالبدشکافی جهان پیشامدرن» می‌نویسد که با گسترش شهرها و پدید آمدن صنایع، به مرور حجم تولیدکنندگان محصولات کشاورزی کم و کمتر می‌شود. گسترده شدن شهر به معنای ساختن خانه‌های بیشتر و تغییر کاربری زمین‌هاست. اما ساخته شدن خانه و کارخانه و خیابان و جدول، همه داستان یک شهر نیست. نظمی از زندگی، برآمدن گونه متفاوتی از اقتصاد سیاسی و شکل‌گیری طبقات کارگر و پیشه‌ور و... که هر کدام نیاز به غذا دارند، مسأله دیگری است که کارکردهای هر روز متفاوت‌تری از زمین و دیگر منابع می‌سازد؛ نکته‌ای که در پژوهش اخیر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری درباره باغستان قزوین به آن اشاره شده است. «پس از نابودی باغستان سنتی قزوین در پهنه شمالی آن در دهه‌های ۵۰ و ۶۰، امروز روندهای اقتصاد سیاسی شهری به سمت نابودی پهنه شرقی باغستان عمل می‌کند. اینک، حفاظت از باغستان سنتی به یکی از موضوعات چالشی در استان قزوین بدل شده است.»

این گزارش عامل اصلی تخریب امروز باغستان را اقتصاد سیاسی زمین شهری می‌داند: «تازمانی که تولید رانت از طریق تغییر کاربری زمین ممکن است، صاحبان اراضی از راه‌های قانونی و غیرقانونی، روابط رسمی و غیررسمی، مذاکرات علنی یا پشت پرده تغییر کاربری اراضی باغستان را رقم می‌زنند.» اما همین پدیده تکین، تنها عامل تغییر کاربری اراضی قزوین نیست. بر اساس این پژوهش کمیوبه آب، آتش‌سوزی‌های پی‌درپی، پروژه‌های غیر ضروری جاده‌کشی و تعریض جاده‌ها داخل محدوده باغستان، تضعیف سازمان‌یابی سنتی باغداران و رشد کالبدی شهر قزوین به سمت باغستان از عوامل درجه دوم و فرعی تخریب باغ‌هاست.

### میراثی از ۱۲ قرن پیش، در آستانه نابودی

پیش از ۱۲ قرن از عمر باغستان سنتی قزوین می‌گذرد؛ همان باغستانی که درختانش چند دهه پیش شهر قزوین را در حلقه سبزی از انبوه درختان بادام و زالزالک و بوته‌های انکور در بر گرفته بود. قدمت باغستان سنتی به استناد تاریخ

مکتوب و به گمان بسیاری به دوران ساسانی می‌رسد، اما بازدیدهای میدانی و تصاویر ماهواره‌ای نشان از این دارد که بخش‌های وسیعی از باغستان، عمدتاً در بخش شرقی، که تا همین ۱۵ سال پیش سبز و زنده بوده است، امروزه رها و بی‌بستر درختان شان خشک شده است.

نقشه‌ای که از شهر قزوین و باغستان در سال ۱۹۱۵ میلادی ترسیم شده است، نشان می‌دهد که ۱۰۰ سال پیش مساحت باغستان در گرداگرد قزوین، حدود ۶ برابر مساحت شهر بوده است اما امروز - خواه بر پایه توسعه نامتوازن شهر، خواه به هر علت دیگر - جمعیت قزوین در دهه‌های اخیر چندین برابر شده و وسعت باغستان به دو هزار و ۵۰۰ هکتار رسیده است که براساس متن این پژوهش، این عدد رقم ثبت شده روی کاغذ است و مساحت واقعی باغستان تقریباً حدود دو هزار و ۲۰۰ هکتار است.

هر چند توسعه شهر به سوی باغستان عامل اصلی تخریب این پدیده تاریخی، زیست‌محیطی و فرهنگی است، اما براساس متن این پژوهش، در عوامل درجه دوم تخریب هم نقش دستگاه‌های اجرایی و نهاد برنامه‌ریزی در سطح استان قابل ردیابی است. «کمیوبه آب معلول مسدود کردن کانال‌های آب در جریان رشد شهر است و شهرداری آب را از بالادست رودخانه‌ها برای آبیاری پارک جنگلی برمی‌دارد.» یافته‌های این گزارش پژوهشی نشان می‌دهد در این سال‌ها ویلاهای بالادست هم سهمی از آب به خود اختصاص داده‌اند. «ماسه‌ای که بهره‌برداران خصوصی از بستر رودخانه برمی‌دارند، باعث پایین رفتن بستر آن شده است.»

### آتش‌سوزی‌های باغستان به کام زمین فروشان

از سوی دیگر، آتش‌سوزی‌های بی‌پایان دامان باغستان قزوین را هم گرفته است. «آتش‌سوزی‌های عمدی در باغستان به انگیزه اخذ تغییر کاربری و آتش‌سوزی‌های غیرعمدی به علت رهاشدگی باغاتی است که مالکان کنار جاده‌ها رهاپشان کرده‌اند که خود این مسأله عمدتاً معلول پیدا شدن انگیزه زمین‌فروشی است. توسعه جاده‌ها در داخل باغستان نیز انگیزه زمین‌فروشی را در مالکان باغاتی که کنار جاده قرار می‌گیرند، ایجاد می‌کند.»

آتش‌سوزی‌های باغستان عمدتاً در کنار جاده‌ها رخ می‌دهد. «در تضعیف نهاد اجتماعی باغستان نیز مدیریت شهری نقش دارد. از سال‌ها پیش دلالان یعنی کسانی که باغ را به انگیزه تغییر کاربری می‌خرند، به جمع باغداران وارد شده‌اند. آنها باغدار نیستند؛ باغ‌داران را و از همیاری‌ها و امور مشارکتی باغستان

